



سید حسن نصرالله

استاد طاهرزاده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دستخط منتسب به
شہید سید حسن نصر اللہ رضوان اللہ علیہ

در آن برزخِ خبرِ شهادت سید حسن نصرالله
تا تایید شهادت او و بعد آن،
ما با خودمان رو به رو بودیم،
و خودمان را تجربه می کردیم.
این بار ضاحیه*،
وقتِ دیدار شد
دیدار با ایمان مان،
گُفرمان،
دیدار با قرآن...
صفحاتِ آن لحظات را ورق می زنید!
شنبه هشتم ماه مهر
غروب ،
جلسه تفسیر قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِوَا فِئَا الْأَرْضِ
فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١٣٧﴾
هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾
وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ
قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَُا بَيْنَ النَّاسِ
وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَلِيُخَصَّ اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَلْبَسْ
وَيُحَقِّقِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ
وَلَمْ يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ
وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

شهادت سید مقاومت، نماد حیات متعالی انسان مقابل با استکبار را تبریک و باز تبریک عرض می‌کنم. به امید آنکه متوجه عطایایی بشویم که در راستای چنین شهادت‌هایی پیش می‌آید، عطایایی که در مسیر توحید تاریخی به ظهور می‌آیند و به کمک آن عطایا میتوانیم بیش از پیش فردای خود را با احساسی متعالی تر درک کنیم.

در این نشست عرایض بنده در باره آیاتی است که متذکر شکست اولیه ای است در جنگ اُحد پیش آمد و قرآن قصه خود ما را در امروزمان با ما در میان می‌گذارد. از آیات ۱۳۷ سوره آل عمران شروع می‌کنیم، آیاتی که با تدبّر در آنها رفقا با نگاهی دقیق متوجه خواهند شد ما باید چه نوع حضوری در چنین موقعیتی که اکنون در نزد خود هستیم، در این تاریخ داشته باشیم و سعی کنیم به کمک آن آیات، خود را ارزیابی کنیم.

۱- جلسه تفسیر قرآن، شنبه ۸ / ماه مهر / ۱۴۰۳، روز شهادت سید حسن نصرالله

بعد از آنکه ظاهراً ما در جنگ اُحد شکست خوردیم و بعضی از مؤمنینی که همراه پیامبر خدا «صلوات الله علیه وآله» وارد جنگ با کفار شدند تعجب کردند که چگونه جبهه حق شکست می خورد؛ حضرت حق آیه نازل کرد که: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران / ۱۱۱) شما را چه شده است، چرا به حضور تاریخی جبهه های حق در مقابل باطل در گذشته نگاه نمی کنید؟ «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ» قبل از شما هم سنت هایی بوده است و خداوند در تاریخ، سنت های خاصی دارد. «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» بروید با نگاه تاریخی - جغرافیایی پرورنده زمین را بنگرید. «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

پس ملاحظه کنید عاقبت کار انکارکنندگان حقیقت به کجا کشیده شد؟ در حالی که در گذشته هم به ظاهر لشکر ابوسفیان ها و یزیدها پیروز شدند. ولی اگر به نهایت کار آنها بنگرید با صحنه های دیگری روبه رو می شوید که حکایت از نابودی آنها در تاریخ دارد. زیرا مقابل حقیقت ایستاده اند. آری! «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

خداوند در ادامه آیه فوق با ما گفتگوهایی دارد و بصیرت تاریخی خوبی را با ما در میان می گذارد، زیرا هنگامی که پدیده های تاریخی را با نظر به جایگاه تاریخی نگاه کنیم، نسبت به حرکات توحیدی، متوجه آینده ای متعالی و پایدار

می شویم که در مقابل جبهه توحیدی، در افق آینده گشوده می شود. در همین رابطه در ادامه می فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (۱۳۸) بالاخره این نور قرآن است که مشخص می کند ما در کجای تاریخ ایستاده ایم. می فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» این قرآن برای مردم روشن کننده حق از باطل است «وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» و برای اهل تقوا هدایت و موعظه می باشد.

می فرماید برای مردم عادی اگر در ندای فطرت خود حاضر باشند و خود را فریب ندهند؛ قرآن به خوبی روشن می کند که جبهه حق کدام است و جبهه باطل کدام. و همان قرآن برای متقین هدایت است و حقایق را در افق پیش رو نمایان می سازد و مدّ نظر می آورد. یعنی آن افق های دور را نسبت به حضوری که با شهادت پیش آمده، نشان می دهد و علاوه بر هدایت، «وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» موعظه ای است برای اهل تقوا که آن ایمانی است بعد از ایمانی، در این موقعیتی که با شهادت شهید سید حسن نصرالله روبه رو هستیم، بیشتر چنین ایمانی را می توان حس کرد، گویا ایمانی در جان ما بوده است و متوجه آن نبودیم. می فرماید ظاهراً دشمن شما کاری کرده است و شما تصور می کنید که اتفاق مهمی افتاده است. قرآن می فرماید: اگر عمیق تر و وسیع تر صحنه را تحلیل کنید، قرآن به عنوان «بَيَانٌ لِلنَّاسِ» برای همه بشریت بیانی دارد فرهنگساز و هدایت و

موعظه ای برای متقین.

در ادامه در آیه ۱۳۹ می فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» با توجه به آینده ای که در دل همین تنگناها در پیش است به گفته علامه طباطبایی در اقامه دین و مقابله با دشمنان اسلام، نه ضعف و سستی به خود راه بدهید و نه حزن و اندوه. «حزن» یعنی غمی که انسان ها با توجه به ضعف ها و مشکلاتی که پیش آمده، احساس می کنند. ممکن است انسان برای عزیزی که شهید می شود غمگین گردد، به اعتبار آنکه تعین و ظاهر دنیایی او را از دست داده است. در حالیکه حضور او به عنوان شهید در صحنه است، کافی است ما در این رابطه به کمک نور قرآن فکر کنیم و تذکراتی که بعد از شکست جنگ اُحد پیش آمد که فرمود سنت هایی همیشه قبل از شما در صحنه عالم جاری بوده است. «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»، بنگرید عاقبت و نهایت کار منکران حقیقت به کجا کشید. با توجه به این امر می فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» اصلاً جای سستی و کوتاهی نیست و رهبر معظم انقلاب با نظر به شهادت سید مقاومت متذکر می شوند که ما بیش از دیروز در مقابل با استکبار و صهیونیسم به صحنه می آییم. جنس حرکت توحیدی انقلاب اسلامی چنین است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

١٣٩

با تذکر به « وَلَا تَحْزَنُوا » به گفته علامه طباطبایی خداوند می خواهد از مسلمانان دلجویی بکند که « وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ » و شما در موقعیت بسی عظیمی هستید، مواظب باشید و به خود آید، زیرا راهی را گشوده اید که بسی برتر از آن است که در مقابل این نوع ضربه هایی که از دشمن خوردید، ضعف و سستی به خود راه دهید. « وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ » یعنی ضعفی در میان نیست « إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » اگر واقعاً به راهی که با پیامبر خدا در مقابل تان گشوده شده است مؤمن باشید. و وقتی به درون و جان خود نظر می کنید به رحمت و برکت و وسعت پروردگارتان ایمان دارید. پس بدانید در دل ضربه های بزرگ، عظمت های توحیدی با تمام بزرگی و شدتش به ظهور می آید زیرا در مسیر حرکت توحیدی، هر اندازه فاجعه بزرگ و بزرگتر باشد، عظمت بیشتری از حقیقت ظهور می کند.

بعد از طرح آیات فوق در ادامه در آیه ۱۴۰ سوره آل عمران جمع بندی دقیقی برای فهم جایگاه تاریخی همه صحنه های حق در مقابل با باطل با ما در میان می گذارد و می فرماید: « إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ، وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ » در هر جنگی هر دو طرف ضربه می زنند و ضربه می خورند. بنا نیست وقتی جنگی در مقابل کفر شروع می شود فقط شما غالب باشید.

به گفته علامه طباطبایی در این صورت دیگر امتحانی برای مؤمنین پیش نمی آید. امتحان یعنی در مسیر توحید، هم ضربه بخوریم و هم ضربه بزنییم زیرا قاعده آن است که «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» یعنی راز این نوع ضربه ها آن است که روزگار دنیا در بین طبقات و مردمان در گردش باشد و این یکی از نکات بسیار مهم در فلسفه تاریخ است که امروزه بدان پرداخته می شود و می توان با بشر جدید آن را در میان گذاشت که چرا خداوند می فرماید سنت ما این است که روزگار و بهره مندی از دنیا در بین مردم در گردش باشد و به گفته علامه طباطبایی پیروزی جبهه توحید به این معنا نیست که دشمن بعضاً سلطه نداشته باشد، ولی پیروزی ندارد و باید بین پیروزی و سلطه، تفکیک کرد. با اسلحه ها و رسانه ها می توان به ظاهر، سلطه پیدا کرد ولی پیروزی نه، زیرا در سلطه بر انسانها روان آنها با سلطه گر همراه نیست و همین امر موجب بی آیندگی اش می شود، هرچند با سختی تمام بتواند مدتی سلطه خود را حفظ کند. به گفته رهبر معظم انقلاب و بقیه متفکران؛ مردم عادی و زن و کودک را کشتن، پیروزی نمی آورد و این عین بی آیندگی است. در دیداری که به مناسبت دفاع مقدس با فعالان دفاع مقدس داشتند فرمودند:

اسرائیل به این دلیل شکست خورده است که مردم را به

قتل می رساند و نام این حرکت پیروزی نخواهد بود.^۲

ممکن است در بعضی از ایام سلطه ای داشته باشند، ولی این قصه زندگی نیست، زیرا «وَتِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» ولی راز این نوع ضربه ها که بعضاً به جبهه توحید وارد می شود این است که «وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» به گفته علامه طباطبایی این برای آشکار شدن ایمان در مؤمنین است بعد از نهران بودن آن، تا بعضی از شما الگو بشوید. ممکن است سؤال کنید مگر خدا از ایمان مؤمنین خبر ندارد؟ آری! خبر دارد ولی «وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» به این معنا است تا ایمان مؤمنین آشکار شود و الگوها و نماد دینداری معلوم گردد مانند حضرت امیرالمؤمنین «علیه السلام» در جنگ احد که مانند کوه در مقابل دشمن و در کنار پیامبر خدا و دفاع از آن حضرت ایستادند در حالیکه عده ای فرار کردند. قرآن می فرماید ما اینطور برنامه ریزی کردیم تا اینکه اولاً: ایمان مؤمنین آشکار شود و ثانیاً: «وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» شهدا در اینجا به معنای نماد و الگو می باشد. یعنی امیرالمؤمنین های دفاع مقدس را خداوند معلوم کند. آنهایی که در شکست ها و پیروزی ها و ضربه خوردن ها و ضربه زدن ها شخصیت شان معلوم می گردد. شایسته است روی این آیات کمی تأمل و تدبّر شود که بالاخره چه

۲ - به بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴۰۳/۷/۲ رجوع شود.

کسانی روحیه خود را در مشکلات نمی بازند؟ ملاحظه کرده اید چگونه بعضی از روشنفکران غربزده ما تا آنجا ترسیده اند که پیشنهاد صلح با اسرائیل را به میان می آورند، در حالیکه برای سرداران و مردان انقلاب اسلامی هر اندازه میدان مقابل با دشمنان انقلاب و حقیقت سخت تر و تنگ تر شود، بیشتر امیدوار می گردند که چگونه عظمت اسلام در همین میدان ها به ظهور می آید. ملاحظه دارید که در ادامه آیه فوق می فرماید: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» به آن معنا که خداوند چنین افرادی را که به حقیقت پشت کرده اند و مقابل جبهه توحید ایستاده اند، دوست ندارد و هیچ کمکی به آنها نمی کند، هرچند ممکن است در بعضی از مراحل، موقتاً سلطه ای پیدا کنند و این به جهت آن است که ما بیشتر به خود آییم. ولی بدانید مدیریت الهی در همه ابعاد در صحنه است و در این راستا «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» خداوند نظری و محبتی به ظالمین که مقابل جبهه توحیدی ایستاده اند، ندارد.

در ادامه راز این شهادت ها و سختی ها اینطور بیان می فرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (۱۴۱) به گفته علامه طباطبایی؛ تا به تدریج و ذره ذره آلودگی ها و کفر از قلب مؤمنین پاک بشود و قلب آنها بیش از پیش نورانی و ایمانی گردد. آری! مرد جنگ و مرد مبارز در جبهه

توحید باید تا مرز خلوص حاج قاسم سلیمانی جلو برود.^۳ زیرا خداوند اراده کرده است تمام حق در مقابل تمام باطل و ظلمات به صحنه آید. تمام حق با حاضر شدن مؤمنین در ایمان و معارف ناب توحیدی به صحنه می آید و در آن راستا باطل محو می شود و لذا فرمود: «وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ». «محق» به معنی آرام آرام از بین رفتن است، به همان معنایی که گفته می شود ماه در مُحاق می رود، یعنی آرام آرام از حالتِ بدر و روشنی کامل به سوی هلال و باریک شدن و محو شدن جلو می رود. قرآن می فرماید: «وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» یعنی کفر را آرام آرام از بین می برد. و رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۴۰۳ فرمودند: اسرائیل همچون یخ در حال ذوب شدن است. و این صادق ترین سخنی است که از سر بصیرت تاریخی به میان آمد.

در ادامه، در آیه ۱۴۲ می فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ»، مگر قرار بوده شماها بدون امتحان به بهشت بروید؟ آیا حساب کرده اید وارد بهشت می شوید بدون آنکه ایمان مجاهدان

۳ - مقام معظم رهبری «حفظه الله» در مورد شهید حاج قاسم سلیمانی می فرماید: «می دانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از «اخلاص» است؛ این «اخلاص» است. اگر «اخلاص» نباشد، این جور دل های مردم متوجه نمی شود؛ دل ها دست خدا است؛ این که دل ها این جور همه متوجه می شوند، نشان دهنده این است که یک «اخلاص» بزرگی در آن مرد وجود داشت.»

شما آشکار گردد و معلوم نشود اهل صبر و مقاومت چه کسانی اند؟ آری! مدعیان دینداری که اهل مقاومت و صبر و پایداری در مقابل دشمنان اسلام و حقیقت نیستند، گمان نکنند مسیرشان مسیر ورود به بهشت است زیرا میدان، میدان مقابله با دشمن حقیقت است که با امتحان های سخت و با جداشدن مرزهای حق از باطل معلوم می شود چه کسی اهل ایمان است و چه کسی تنها ادعا می کند. فرمود: «وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»، صابر یعنی اهل مقاومت و استقامت و به همین جهت اگر با شهادت سید حسن نصرالله عزیز عزاداریم، ولی غمزده نیستیم، راه صابران، راه عجیبی است. در این راه شهید می دهیم ولی پایدار می مانیم و می دانیم شهیدشدن برای ما به معنای فعال ترشدن است در صحنه مقابل با ظلم. مقاومت و صبر برای ما مانند همان طنابی است که وارد چاه شد و حضرت یوسف «علیه السلام» را از آن چاه نجات داد.^۴

ما در دل انقلاب اسلامی عظمت شهادت ها را تجربه کردیم و در ادامه همین آیات در سوره آل عمران می رسیم به آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ که آیات مشهوری است. آنجا که می فرماید:

۴ - جناب مولوی در رابطه با صبر و مقاومت و پایداری و نتیجه آن می فرماید: یوسف حسنی و این عالم چو چاه * * * وین رسن صبر است بر امر اله. یوسفا آمد رسن در زن دو دست * * * از رسن غافل مشو بی گه شده ست. حمد لله کین رسن آویختند * * * فضل و رحمت را بهم آمیختند. تا ببینی عالم جان جدید * * * عالم بس آشکار ناپدید.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ» یعنی در فهم جایگاه هایی که در راه خدا شهید می شوند با قواعد دنیایی محاسبه نکنید تا گمان کنید آنها مرده اند «بَلْ أَحْيَاءٌ» بلکه آنها زنده اند و از بهره هایی که نزد پروردگارشان می باشد، بهره می برند. اگر فردی تصادف کرد و رحلت نمود، روح او به برزخ می رود. آیا شهدا نیز وقتی شهید شدند مانند آن فرد به برزخ می روند؟ این معنای آحیایی که آیه فوق متذکر است، نمی باشد. شهدا در همین صحنه هایی که شما در تاریخ خودتان حاضرید، در صحنه حاضر می باشند. آری! هرکسی از دنیا رفت به همان معنای «أَمْوَاتًا» به برزخ می رود. در حالیکه قرآن می فرماید شهدا زنده اند و در نسبت خاصی که با پروردگارشان پیدا می کنند از بهره های خاصی برخوردار می گردند. یعنی سید حسن نصرالله، به گفته رهبر معظم انقلاب که ذیل همین آیه نکاتی دارند، از این به بعد دستش بازتر و نطقش رساتر است. مقام معظم رهبری فرمودند:

نطق شهدا بعد از شهید شدن باز می شود و با مردم حرف ها دارند، صدایشان تازه بعد از رفتن بلندتر می گردد.^۵
با این نگاه باید به آینده جهان نگاه کرد، با توجه به این امر شهادت، برای بیشتر حاضرشدن شهید در صحنه است.

۵ - به بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ رجوع شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا
بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُقُونَ

قرآن در ادامه می فرماید: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (۱۷۰) یعنی با رسم شهادت جهانی گسترده تر در مقابل شهید گشوده می شود و می یابد که چه آینده ای در همان مسیری که شهید شد، در پیش رو است. ما با تأمل در این آیات امروز و فردای خودمان را می یابیم و آن را بهتر احساس می کنیم. واژه «یستبشرون» حکایت بشارتی است که پیش می آید یعنی وقتی شهادت برای انسان پیش می آید جهانی در مقابلش گشوده می شود که احساس حضور بیشتر در همین جهان برایش آشکار می گردد و این ربطی به حضور برزخی او ندارد، نوعی بهره مند شدن است در همین تاریخ. و لذا شروع می کند به سخن گفتن و بشارت دادن، به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب فرمودند نطقشان باز می شود. «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» بشارت می دهند به آنهایی که هنوز به شهدا ملحق نشده اند. یعنی به کسانی که اظهار می دارند راه سید حسن نصرالله راه آنها نیز هست. حال، سید حسن نصرالله ها که شهید شده اند دارند می گویند: «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» نه جای نگرانی نسبت به آینده است و نه جای غم و حزن نسبت به گذشته. «خوف» یعنی نگرانی نسبت به آینده و اینکه گمان کنیم حال که اسرائیل فرمانده ها را شهید کرده

و رسانه های جهان استکباری هم به نفع اسرائیل تبلیغ می کند پس نکند کار به نفع آنها تمام شود در حالی که خداوند سخن شهدا را به رفقایشان متذکر می شود که «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ» نگران آینده نباشند «وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» و غم کوتاهی های گذشته را نیز را نخورند به گمان آنکه کوتاهی های آنها منجر به این شهادت ها شده است. مثلاً در جریان های اخیر بگوییم چرا ما زودتر متوجه برنامه هایی که اتفاق افتاد، نشدیم! آیات فوق به ما متذکر می شود که اساساً قضیه و تقدیر چیز دیگری است و نباید ملامتی به خود راه دهید و نسبت به آینده ناامید شوید.

در آیه بعدی می فرماید: «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۷۱) شهدا بشارت می دهند به نعمت ولایت حق بر باطل و برکاتی که در پیش است و اینکه خداوند هرگز اجر مؤمنین را بی نتیجه و ضایع نمی کند و در همین رابطه در راه توحید تا رسیدن «بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ» کار جلو می رود و بنا به فرمایش علامه طباطبایی هر وقت نعمت به صورت مطلق در آیات بیاید به معنای «ولایت» است. یک موقع می فرماید نعمت صبر، یا نعمت رزق؛ اما اگر نعمت را به تنهایی آورد یعنی ولایت و حاکمیت جهان از آن جریانی است که بر توحید تأکید دارد و در این مسیر تا مرز شهادت پیش می رود و مطمئناً با توجه به نکته ای که در آیه مذکور هست؛ جهان به نفع ایرانی که حزب الله

یکی از نمادهای آن است در حال تغییر می باشد. فرمود: «بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ»، «فضل» یعنی اموری که بالاتر از آنی است که مدّ نظر بوده و پیش بینی می شده. «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» در اینکه در ادامه می فرماید خداوند اجر مؤمنین را ضایع نمی کند؛ باید فکر کرد. آیا با توجه به این نکته می توان گفت که اجر سید حسن نصرالله و یا حاج قاسم سلیمانی که نابودی اسرائیل است؛ ضایع می شود؟ می فرماید اجر مؤمنین را ضایع نمی کند، کدام مؤمنین در اینجا مدّ نظرند؟ جز آن مؤمنینی که پای جبهه مقابله با صهیونیسم برای نابودی رژیم اسرائیل؛ ایستاده اند، اجرشان ضایع نمی شود؟ یعنی آنچه آنها به دنبال آن بودند را خداوند به آنها می دهد؟ شما که در میدان مبارزه با استکبار حاضر شده اید چه چیزی جز نابودی استکبار را دنبال می کنید؟ آیا وقتی آمریکا به گفته خودشان در حال افول است، شما طلّیعه به دست آوردن اجر خود را احساس نمی کنید؟

البته معلوم است که بین انقلاب و شورش و اعتراض فرق است. یک وقت آمریکا و شوروی بر سر ابرقدرتی با هم درگیری می شوند، که درگیری دو قدرت است، ولی یک وقت انقلاب می کنیم به طوری که قلب های یک ملت به سوی هدفی متعالی سوق پیدا می کند. ملاحظه کردید در رابطه با انقلاب اسلامی کدام روستا و شهر و کدام روستایی و

شهری نبود که در کنار حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» برای تحقق انقلاب اسلامی حاضر نشود و برای ادامه آن تلاش نکند؟ از مادر بزرگ ۹۰ ساله بنده بگیرید تا جوانان و حتی نوجوانان که همه هر کدام به نحوی در انقلاب حاضر شدند و به آینده ای که عبور از نظام شاهنشاهی بود فکر کردند. حتی زمانی که حضرت امام در دوران دفاع مقدس فرمودند هرکس بخواهد به ثواب حضور در جبهه نایل شود ولی نمی تواند از نظر جسمی وارد جنگ شود، می تواند خرج یک روز جبهه را بدهد و آقای محسن رضایی به عنوان مسئول سپاه خرج یک روز جبهه را مشخص نمودند و مادر بزرگ بنده با پولی که از دسترنج خود به دست می آوردند، آن پول را پرداختند. این یعنی در انقلاب اسلامی همه روح ها به نحوی برای حضور در آینده ای متعالی حاضر بودند. وقتی انقلاب به معنای واقعی آن واقع شود ملاحظه خواهید کرد آینده ای بزرگتر از آنچه تصور می کردید پیش می آید. در جنگ احد به یک معنا ما شکست خوردیم و دشمن از ما حدود ۷۰ شهید گرفت و به طرف مکه برگشت. ابوسفیان و لشکرش در میانه راه به این فکر افتادند که برگردند و کار مسلمانان را یکسره کنند. عده ای از منافقین خبر تصمیم لشکر ابوسفیان را به مسلمانان رساندند به امید آنکه مسلمانان مضطرب شوند و دست و پای خود را گم کنند و از اطراف پیامبر خدا پراکنده شوند و آن حضرت را تنها

بگذارند. پیامبر خدا برای مقابله با آن جریان دستور دادند فقط آنهایی که به نحوی از جنگ زخم برداشته اند و زخمی شده اند به سوی دشمن برای مقابله با آن حرکت کنند و آنها به دستور پیامبر «صلوات الله علیه وآله» برای تعقیب ابوسفیان و لشکرش راه افتادند، همینکه ابوسفیان متوجه شد برعکس تصور او لشکر اسلام تا این اندازه اهل مقاومت است، از حمله دوباره منصرف شد و به مکه برگشت و خداوند این آیه را نازل فرمود که: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» (۱۷۲) آنهایی که امر خدا و رسول خدا را اجابت کردند بعد از آنکه زخمی شده بودند «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ» برای آن هایی که نیکی کردند و تقوا پیشه نمودند اجر عظیمی در میان است اجری که به جهت عظمت آن قابل توصیف نیست و این یعنی در مسیر توحید در دل شکست، پیروزی عظیمی وجود دارد. آیه بعد در رابطه با تبیین آن موضوع می فرماید: «الَّذِينَ قَالُوا لَكُمْ الْتَأْسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (۱۷۳) این اجر عظیم شامل آنهایی است که چون منافقین خبر دادند لشکر ابوسفیان آماده شده که مجدداً حمله کند، پس بترسید و خود را از میدان مهلکه خارج نمایید؛ «فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» در مواجهه با چنین خبری به ظاهر خطرناک، نه تنها خود را نباختند، بلکه به صورت معجزه آسایی تازه ایمان شان

زیاد و زیادتر شد، به جهت اینکه به خوبی فهمیده بودند باید در شرایط سخت، عظمت اسلام را به نمایش گذاشت و لذا «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». این جمله را در اوج خطر و در عین آنکه بدنشان در آن جنگ زخمها برداشته بود، بر زبان راندند که ما را مدد الهی کافی است و او برای ما بهترین وکیل و سرپرست خواهد بود و نتیجه آن شد که خداوند در قرآن می فرماید: «فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَأَتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (۱۷۴) علامه طباطبایی در این رابطه می فرماید در نتیجه امتیاز خاصی نصیب آنها شد که آن نعمت الهی و فضلی بود آسیب ناپذیر، زیرا در مسیر الهی و با انگیزه طلب رضایت خداوند قدم برداشتند، خدایی که دارای فضل عظیمی است و هرکس در مسیر او قدم بردارد، مفتخر به آن امتیاز خاص و آن فضل عظیم خواهد شد. این یعنی پایمردی در جبهه مقاومت. یعنی پیام فوق العاده مقام معظم رهبری که می فرمایند:

«امروز هم لبنان به حول و قوه الهی دشمن متجاوز و خبیث را پیشیمان خواهد کرد».

برای اینکه روح فرزندان مقاومت، روح امیدواری به رحمت الهی است و در نتیجه بنا به وعده الهی و «وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ» از اموری بهره مند می شوند که آسیب ناپذیر و شکست ناپذیر است. جمهوری اسلامی نیز با

همین روحیه ای که تا آخر ایستاده است شکست ناپذیر خواهد بود و انشاء الله این روحیه برای کل جهان اسلام در مقابل استکبار پیش خواهد آمد. علت اینکه چنین روحیه ای به فضل الهی برای جبهه مقاومت پیش آمده و نمونه آن را در سید مقاومت یافتید؛ «وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ» بود و اینکه به دنبال رضایت خداوند بودند، حتی می توان گفت تا آن حدّ به دنبال رضایت خداوند بودند که پیروزی بر دشمن برایشان مسئله اصلی نبود زیرا «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» خداوندی که آنان برای رضایت او در صحنه آمده بودند دارای فضل عظیمی است و انسان را در جهانی حاضر می کند که تصور آن را هم نمی توان کرد. امری که بحمدالله می توانیم در این مرحله از تاریخ انقلاب اسلامی ملاحظه کنید که خداوند زمینه برخورد مستقیم ایران را با رژیم صهیونی فراهم کرد.

با توجه به آیات فوق حیف است که ما در این تاریخ باشیم و همه عزم ما در راستای دنبال کردن رضوان الهی در مقابله با اسرائیل و آمریکا نباشد. حزب الله به این دلیل احساس شکست نمی کند که جوانان آن می دانند این راه، راه دنبال کردن نتیجه رضوان الهی است و نتیجه آن حتماً فضل عظیم الهی می باشد. بی حساب نیست که رهبر معظم انقلاب در «جمعه نصر» در تاریخ ۱۳/۷/۱۴۰۳ می فرمایند:

«مقاومت در غزّه چشم دنیا را خیره کرد؛ به اسلام عزّت بخشید. در غزّه، اسلام در برابر همه‌ی شرارت و پلیدی سینه سپر کرده است. هیچ انسان آزاده‌ای نیست که بر این ایستادگی درود، و بر دشمن سفاک و خون‌آشامش لعنت نفرستد.»

و در ملاقات با شهید اسماعیل هنیه نیز فرمودند: «امروز بلندترین پرچم اسلام در دستان مردم غزه است.»

قرآن در ادامه متذکر می‌شود: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۱۱) آن منافقین و جاسوسان و مشرکین، لشکر شیطانند و شیطان یاران و دوستداران خود را می‌ترساند و شما اگر به واقع مؤمن هستید از من ترس و ابا داشته باشید. می‌گویند اسرائیل گفته کار حزب الله تمام شده؛ آیه می‌فرماید ای فرزندان اسلام شما سادگی نکنید و ذره‌ای خوف به خود راه ندهید، این آدم‌های خودفروخته هستند که می‌گویند شکست خوردیم و تمام شد، و با توجه به این نکته خداوند می‌فرماید: «وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ، إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا، يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ، وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱۷۶) از اینکه عده‌ای تحت تأثیر آن سخنان قرار می‌گیرند «وَلَا يَحْزُنكَ» شما را محزون نکند، آنها با عبور و جدا شدن از مسیری که شما گشوده‌اید، هیچ آسیبی نمی‌توانند به شما بزنند «يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي

الْآخِرَةِ، وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» خداوند بنا دارد آن آدم‌های سطحی و بُزدل و حتی شیخ مسلک را که بویی از شجاعت و مبارزه نبرده‌اند، از بهره‌های آخرت محروم کند و برای آنها که نسبت به چنین جبهه‌های که جبهه مقابله با ظلم و کفر است، بی تفاوتند؛ عذاب عظیمی است.

آیه فوق مربوط به کسانی است که انتقاد می‌کنند مبارزه با آمریکا و صهیونیست چه فایده‌ای برای ما دارد و از ترس شکست، خود را باخته‌اند. حرف و سخن روشنفکران غربزده این است که اسلام توان مقابله با کفر را در این زمانه ندارد. لذا پیشنهاد می‌کنند با اسرائیل صلح کنید. در حالی که قرآن می‌فرماید خداوند اراده کرده این افراد که در واقع باطن خود را با این سخنان ظاهر می‌کنند، از بهره‌های ابدی محروم کند و گرفتار عذاب عظیمی خواهند شد زیرا نسبت به جبهه حق در مقابل باطل یا بی تفاوت بوده‌اند و یا به سوی آنها متمایل شدند و قضیه از این قرار است که «إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱۷۷) آنانی که به جای ایمان، کفر را انتخاب کرده‌اند هیچ آسیبی به مسیری که خداوند گشوده، نمی‌رسانند و برای آنان عذاب دردناکی هست.

حال در ادامه می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ» اینکه خداوند به کفار فرصت می‌دهد گمان نکنند آن فرصت به نفع آنان است «إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ

لَيَزِدَّوَا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» حقیقت آن است که آن فرصت زمینه‌ای است تا بر گناهانشان افزوده شود و شخصیت پنهانی آنها بیشتر ظاهر گردد و برای آنها عذابی خوار کننده در پیش است. «ما كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظَلِّعَكُمْ عَلَى الْعَيْبِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (۱۱۱)

زهار که از وضع حاضر خود خوشحال نباشند، که وضع موجودشان املا و مهلت خدایی است که کارشان را به استدراج و تأخیر می‌کشاند و باعث بیشتر شدن گناهشان می‌گردد؛ که دنبال آن عذابی خوارکننده و مهینی است، عذابی که جز خواری با آن نیست و همه اینها به مقتضای سنت تکمیل شخصیت زشت آنها است. «ما كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ...» خداوند حاضر نبوده و نیست که مؤمنان را بر این حال که شمائید بگذارد، مگر آنکه پلید را از پاک جدا کند، سپس وجهه گفتار را به سوی مؤمنین نموده و بیان می‌کند که سنت ابتلا در آنان هم جاری است، تا آنها نیز به کمال خاص خود برسند، و در نتیجه «مؤمن خالص» از «مؤمن غیر خالص» و «خبیث» از «طیب» جدا و متمایز گردد. به همین جهت انشاء الله ملاحظه خواهید کرد در این صحنه‌ها هر چه دشمن سخت‌تر وارد بشود، همت‌های بزرگ آشکارتر می‌شوند و حضور عمیق تری در آینده با

انقلاب پیش می آید، حضوری که تصور آن را هم نمی توان کرد. نتانیاهو در سفری که به کالیفرنیا داشت در سخنرانی اش مکرر نام ایران را به عنوان کشوری تروریستی مطرح کرد و اعضای پارلمان او را تشویق می کردند و این حکایت از آن دارد که ایران حضور عمیق تری در آینده دارا می باشد و جبهه استکبار نسبت به آن حساس شده و هر آن کس که روح آزادگی را در خود رشد داده است به حضور تاریخی ایران می پیوندد. حضور تاریخی ایران یعنی، سخنی که آن مرد الهی فرمود که آمریکا شیطان بزرگ است.

آری! در پی شهادت حاج قاسم، آغاز سید حسن نصرالله است با مقاومتی عمیق تر نسبت به استکبار، استکباری که با داستان رژیم صهیونیستی در جنایت بی سابقه خود مشخص کرد که راهی به سوی آینده ندارد، به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه تاریخی خود بعد از شهادت سید حسن نصرالله فرمودند:

«طوفان الاقصی و مقاومت یک ساله غزّه و لبنان، رژیم غاصب را به جایی رساند که مهم ترین دغدغه اش، حفظ موجودیت خود است؛ یعنی همان دغدغه ای که این رژیم در سالهای اول ولادت نحسش داشت. این بدین معنی است که مجاهدت مردان مبارز فلسطین و لبنان توانسته است رژیم صهیونی را هفتاد سال به عقب برگرداند.»

در پی شهادت حاج قاسم سلیمانی که در جای خود آغازی بود برای ادامه راه، حال با شهادت سید حسن نصرالله با آغازی دیگر روبرو هستیم، آغازی با مقاومتی عمیق‌تر نسبت به استکبار و جنایت‌های بی سابقه آن. مسلماً با شهادت سید حسن نصرالله شخصیتی که وجدان‌های بیدار جوانان را به سوی مقاومت جلب نمود و آغازی که با انقلاب اسلامی پیش آمد معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند، تا انقلاب اسلامی راهی باشد برای هر کسی که معنای آزادی را در ابعاد گوناگون دنبال می‌کند و آن انقلاب هرچه مؤثرتر راه خود را ادامه دهد، به همان معنایی که سید حسن نصرالله نماد آن شد به عنوان یک مکتب. همانطور که شهید اهل قلم شهید مرتضی آوینی فرمود:

«اگر شهید نباشد، خورشید طلوع نمی‌کند و زمستان سپری نمی‌شود. اگر شهید نباشد، چشمه‌های اشک می‌خشکد، قلب‌ها سنگ می‌شود و دیگر نمی‌شکند و سرنوشت انسان به شب تاریک شقاوت و زمستان سرد قساوت انتها می‌گیرد و امید صبح و انتظار بهار در سراب یأس گم می‌شود. اگر شهید نباشد، یاد خورشید حق در غروب غرب فراموش می‌گردد و شیطان جاودانه کره زمین را تسخیر می‌کند...»

حال با توجه به آنچه عرض شد به نظر می‌آید چند نکته را به قرار زیر می‌توان مد نظر قرار داد و به آن نکات اندیشید:

۱- انقلاب اسلامی در اساس، حاصل یافت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» می باشد به حکم آیه: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرَّحْمَن/۲۹)، آیه ای که متفکر و سالک زمانه را به سوی خود می خواند و در گوش او نجوایی می کند و خود را یعنی زمانه را به او می نمایاند.

۲- انسان در مقابل شهدا مانند این است که با جلوه‌ای از سرّ نامتناهی خود روبه‌روست زیرا وقتی در تاریخ توحیدی انقلاب اسلامی حاضر شویم در واقع از یک طرف در نزد سیمای باطنی خود و از طرف دیگر در سنت های پنهان جهان حاضر شده ایم.

۳- حقیقت با ظهوری که در تاریخ دارد، در کشاکش میان انکشاف و احتجاب تحقق پیدا می کند و ما در هر مرحله از انقلاب با جلوه ای از حقیقت روبه رو می شویم و در مرحله ای دیگر با جلوه ای دیگر.

۴- تاریخ در تمام ابعادش و به حکم «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» همواره با شدن و سیروورت و فعلیت و حرکت همراه است. هر تاریخی تا آنجا جلو می رود که «افق»ش قبلاً دیده شده است. در این رابطه جامعه‌ای که افقی بالاتر از زندگی مادی نمی بیند، هرگز به بالاتر از آن نمی رسد و شهادت ها همواره در افق حضور خود به آینده ای بعد از آینده ای نظر دارد که

موجب بسط آن جامعه و انسان های حاضر در آن جامعه و آن تاریخ خواهد شد.

۵- این یک امر مسلم و تجربه شده است که هر تاریخی در آغاز ظهورش، امکان هایی را مشخص و معین می کند و افق هایی را می گشاید که آن امکان ها به تدریج روشن تر می شوند و امیدواری به آینده که رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» مدّ نظر دارند از همین نوع است. و مانع تنها آن افق را در مرحله امروزمین انقلاب اسلامی در شهادت حاج قاسم سلیمانی تجربه کردیم، در اکنون تاریخی خود به خوبی حضور در آن افق و در آن آینده را در شهادت سید حسن نصرالله احساس نمودیم و در خطبه «جمعه نصر» مقام معظم رهبری گویا در آن آینده حاضر و حاضرتر شدیم زیرا اساساً تأسیس در تاریخ، زمانی اتفاق می افتد که متفکر و سالک، افق آن تاریخ را دیده باشد و به تعامل با آن پردازد.

پرودگارا! به حقیقت نورانیت شهادتی همچون سید حسن نصرالله، طلب تعالی بیشتر در این تاریخ را برای هرچه وسیعتر شدن همانند وسعت شهادتی مانند حاج قاسم و سید حسن نصرالله، به ما عطا بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



جهت دریافت نسخه الکترونیکی
و فیزیکی کتاب به لینک زیر
مراجعه نمایید:

eitaa.com/esharat

هرگونه تکثیر و استفاده از این اثر بلامانع است.

انسان در مقابل **شُهدا** مانند این است که
با جلوه‌ای از **سِرّ نامتناهی خود** روبه‌روست
زیرا وقتی در تاریخ توحیدی انقلاب اسلامی
حاضر شویم در واقع از یک طرف در نزد
سیمای باطنی **خود** و از طرف دیگر
در **سنت** های پنهان جهان حاضر شده‌ایم.



تشکل اشارت
@esharat